

# جغرافیای رفاه<sup>۱</sup>

نویسندگان: Prof. David M. Smith استاد جغرافیا در Queen Mary College London  
علی نوری کرمانی (دانشجوی دوره دکتری جغرافیای انسانی دانشگاه تهران) مترجم:

## پیشگفتار مترجم

جغرافیای رفاه نگرشی در جغرافیای انسانی است که در مورد مسئله نابرابریهای اجتماعی در کشورهای رشد یافته، در حدود سه دهه است که ارزیابی مضللات اجتماعی - اقتصاد را مد نظر دارد. در کشورهای در حال رشد همچون ایران، مسئله «نیازهای اساسی» از قبیل شغل، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی و به‌طور کلی دسترسی به خدمات اجتماعی و نیز توزیع عادلانه آنها دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. توجه پژوهشگران و محققان دانش جغرافیا به امور فوق و تحقیقات کاربردی در این زمینه و ارایه نتایج حاصله از این مباحث دارای اولویت خاصی است.

در حقیقت دانش انسانی جغرافیا زمانی منزلت و جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا می‌کند که این علم با حیات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مردم پیوند خورده باشد.

برگردان مقاله «جغرافیای رفاه» از کتاب ارزشمند *The Dictionary of Human Geography* بوده که یکی از غنی‌ترین فرهنگهای جغرافیای انسانی به زبان انگلیسی می‌باشد. (۱). در تنظیم و تدوین مطالب آن بیش از ۳۵ جغرافیدان از جمله اندیشمندان چون Harvey, Johnston, Haggett و سایرین مشارکت داشته‌اند. از اینرو کتاب مذکور برای مشتاقان دانش جغرافیا و سایر رشته‌های علوم اجتماعی، منبع سودمند و با ارزشی می‌باشد. البته برگردان این کتاب به فارسی باید توسط مترجمان و اساتید آگاه صورت گیرد چرا که به لحاظ زبان تخصصی، نحوه نگارش و فشردگی دائره‌المعارفی و یا به عبارتی زبان تلگرافی آن در حذف قرینه‌های دستوری، کار چندان سهل و آسان نمی‌باشد. جغرافیای رفاه، رویکردی در جغرافیای انسانی است که بر مسائل نابرابری<sup>۲</sup> تأکید دارد. رویکرد رفاه نسبت به تأکیدات کمی<sup>۳</sup> و مدل‌سازی<sup>۴</sup> دهه ۱۹۶۰م، ناشی از واکنش بنیادی بود که در رابطه با مشکلات آن عصر ناکافی به‌نظر می‌رسید. دهه ۱۹۷۰م شاهد چرخشی عمده در جغرافیای انسانی به‌سوی مباحث «رفاه» از قبیل فقر، گرسنگی، جنایت، تبعیض و

دسترسی به خدمات اجتماعی (برای مثال درمان و آموزش) بود. این امر با تغییر جهت عمده‌ای که در امور اجتماعی از معیارهای محدود اقتصادی پیشرفت و توسعه به‌سوی جنبه‌های گسترده‌تری از «کیفیت زندگی» صورت گرفت، مطابق بود. در دورهٔ رکود یا رشد اقتصادی بطئی عصر حاضر، مباحث مربوط به توزیع (ثروت) اهمیت بیشتری کسب کرده‌اند چرا که در چنین شرایطی سیاستهای باز توزیع به نفع فقرا یا افراد به‌لحاظ اجتماعی محروم، تنها می‌تواند از جیب ثروتمندان یا اقشار مرده‌تر<sup>۵</sup> جامعه عملی گردد.

موضوع اساسی رویکرد رفاه این است که چه کسی، چه چیزی را، در کجا و چگونه به دست می‌آورد.

«چه کسی» اشاره دارد به جمعیت ناحیه تحت بررسی (شهر، منطقه، کشور یا حتی کل جهان) که براساس طبقه، نژاد و یا سایر ویژگیهای مربوطه گروه‌بندی می‌شود.

«چه چیزی» اشاره دارد به انواع فواید و زیانهای<sup>۶</sup> که جمعیت از آنها به‌صورت کالاها، خدمات، کیفیت زیست محیطی، روابط اجتماعی و غیره برخوردار یا متحمل می‌شود.

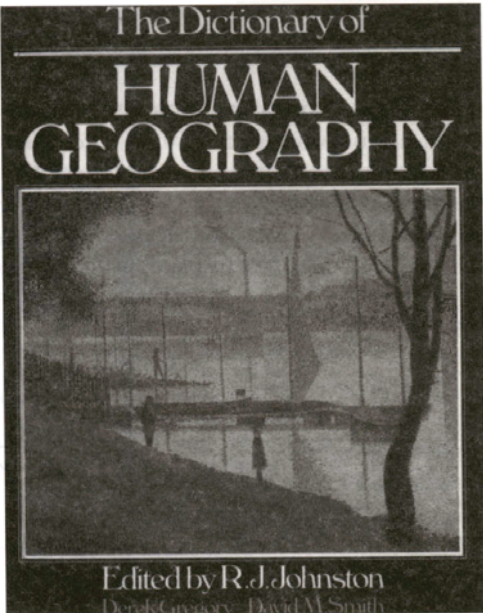
جغرافیای رفاه نگرشی در جغرافیای انسانی است که در مورد مسئله نابرابریهای اجتماعی در کشورهای رشد یافته، در حدود سه دهه است که ارزیابی مضللات اجتماعی - اقتصادی را مدنظر دارد.

دانش انسانی جغرافیا زمانی منزلت  
و جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا  
می‌کند که این علم با حیات اقتصادی -  
اجتماعی و فرهنگی مردم پیوند خورده  
باشد.

شناسایی تجربی نابرابری در توزیع ناحیه‌ای شامل شاخصهای اجتماعی توسعه می‌شود. این شاخصها می‌توانند عناصر خاص رفاه اجتماعی را در اندازه‌های مختلف ترکیب کنند. شرایطی را که باید در نظر گرفت عبارتند از درآمد، ثروت، اشتغال، مسکن، کیفیت زیست محیطی، بهداشت، آموزش، نظم اجتماعی (به معنی فقدان جنایت، انحراف و سایر مواردی که ثبات و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند)، مشارکت اجتماعی، تفریح و اوقات فراغت. در عوض موضوع اصلی می‌تواند پیرامون جنبه‌های منحصر به فرد رفاه اجتماعی از قبیل نابرابریها در دسترسی به درمان یا تجربه متفاوتی از یک معضل همچون سروصدا، آلودگی هوا و غیره باشد.

تحقیق توصیفی‌یی از این نوع، پیرامون زمینه‌هایی موجه است که اطلاعاتی در مورد جوانی از زندگی را که تاکنون در جغرافیا از آن‌ها غفلت شده، به دست دهد. این تحقیق همچنین مبنایی برای ارزیابی به دست می‌دهد که از آن طریق وضع موجود را می‌توان نسبت به جایگزینی (که در گذشته پیش‌بینی یا طراحی شده) طبق برخی از ملاکهای پیشرفت رفاه سنجید. بنابراین تأثیر طرحهای جایگزین برای سهولت مکانی ۱۰ یا نزدیکی (مثلاً به بیمارستانها) را می‌توان با ملاکهایی که منافع را (همچون دسترسی به درمان) به‌طور کاملاً برابر بین جمعیت‌های تقسیمات مختلف ناحیه تحت بررسی توزیع می‌کند، مورد داوری قرار داد. این موضوع مسئله قوانین عدالت توزیعی و روشی را که در آن، این قوانین واقعاً در روند سیاسی به کار بسته می‌شوند (چه صریح و چه غیر صریح) را مطرح می‌کند. تبیین موضوع را می‌توان در دو سطح متفاوت جستجو نمود.

شرایطی را که باید در نظر گرفت  
عبارتند از درآمد، ثروت، اشتغال،  
مسکن، کیفیت زیست محیطی،  
بهداشت، آموزش، نظم اجتماعی،  
مشارکت اجتماعی، تفریح و اوقات  
فراغت.



«کجا» بازتابی از این واقعیت است که از آن طریق تفاوت‌های مشهود به‌وجود می‌آیند.

اولین وظیفه رویکرد رفاه، توصیف است. وضع موجود جامعه را با توجه به اینکه چه کسی، چه چیزی را در کجا به دست می‌آورد، می‌توان با بسط فرمول بندیه‌های انتزاعی اقتصاد رفاه<sup>۷</sup> نشان داد. و هدف عملی آن، آرایه این موارد تجربی است. در یک جامعه به‌لحاظ فضایی غیرمتراکم، سطح عمومی رفاه را می‌توان به‌صورت زیر نوشت.

$$W = f(S_1, \dots, S_n)$$

که  $S$  سطح زندگی یا رفاه اجتماعی در یک مجموعه از  $n$  تقسیمات ناحیه‌ای است.<sup>۸</sup> به بیان دیگر رفاه تا حدی تابع توزیع فواید یا زیانها در میان گروههای جمعیتی است که توسط نواحی مسکونی مشخص می‌شوند. رفاه اجتماعی را می‌توان برحسب اینکه چه چیزی را مردم واقعاً به دست می‌آورند، به قرار ذیل تعریف نمود.

$$S = f(X_1, \dots, X_m)$$

که  $X$  نشان‌دهنده  $m$  مقادیر فواید و زیانهای موجود یا تجربه شده می‌باشد. رفاه اجتماعی را نیز می‌توان برحسب توزیع در داخل ناحیه مورد بحث بیان نمود.

$$S = f(U_1, \dots, U_k)$$

که  $U$  سطح رفاه، رضایت یا «مطلوبیت» هر یک از زیرگروههای جمعیتی  $k$  است. برای اینکه بتوان ترکیبی از سطوح ناحیه‌ای رفاه، فواید و زیانها و یا رفاه گروهی که تابع هدف<sup>۹</sup> را به‌حداکثر می‌رساند، نشان داد. در همه عبارات فوق، اصطلاحات را می‌توان به‌صورت جداگانه ارزش داد و مطابق هر کارکردی ترکیبشان نمود ( $W$  یا  $S$ ).



## منبع

- 1) The Dictionary of HUMAN GEOGRAPHY Edited by R.J. Johnston, Derek Gregory, David M. Smith, Consultant Editors Peter Haggett, D.R. Stoddart - Second Edition - 1986. Basil Blackwell Ltd-pp.525-27.
- Blackwell Reference ISBN 0 631 146563
- 108 Cowley Road, Oxford OX4 1JF, UK.

## پاورقی:

- 1) Welfare geography
- ۲) منظور همان نابرابریهای اجتماعی - اقتصادی است که ناشی از فقدان یا کمبود دسترسی به نیازهای اساسی از جمله شغل، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، امنیت اجتماعی و غیره می‌باشد.
- 3) Quantitative
- 4) Model-Building
- 5) Better-Off
- 6) Goods and Bads
- 7) Welfare Economics
- ۸) منظور این است که رفاه تابعی از استانداردهای زندگی است (حرف اول کلمات به صورت ریاضی فرمول بندی شده است).
- 9) توضیح: که به آن «تابع معیار» هم می‌گویند یعنی دستیافتن به حداکثر یا حداقل یک تابع، برای آگاهی بیشتر به مدخل «بهنیه‌سازی» در اثر ارزشمند «فرهنگ اندیشه نو»، ویراستار: ع پاشائی، انتشارات مازیار، تهران چاپ سال ۱۳۶۹ هـ. ش مراجعه گردد.
- ۱۰) توضیح: به معنی سهولت دسترسی به مکان است. Facility location
- 11) Lines of inquiry
- 12) Holistic

اولین وظیفه رویکرد رفاه، توصیف است. وضع موجود جامعه را با توجه به اینکه چه کسی، چه چیزی را در کجا به دست می‌آورد، می‌توان با بسط فرمول بندیهای انتزاعی اقتصاد رفاه نشان داد.

الف) نخستین سطح شامل درک طرز کار نظام اقتصادی - اجتماعی - سیاسی به صورت یک مجموعه کامل است برای اینکه بتوان به گرایشهای کلی آن (نظام) پی برد. بنابراین یک بررسی کلی از سرمایه‌داری ثابت می‌کند که پیدایش نابرابری (در این نظام) اجتناب‌ناپذیر است چرا که خصیصه ذاتی آن نظام است.

ب) دومین سطح تبیین در رابطه با جزئیات طرز کار عناصر خاص یک نظام اقتصادی - اجتماعی - سیاسی است. نمونه‌ها می‌توانند توزیع متفاوتی از خدمات عمومی در یک شهر باشند، یا اینکه چگونه موقعیت مکانی تسهیلات درمانی به بعضی از افراد در بعضی جاها فایده و به برخی در سایر جاها ضرر می‌رساند.

در کشورهای در حال رشد، مسئله «نیازهای اساسی» از قبیل شغل، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی و به طور کلی دسترسی به خدمات اجتماعی و نیز توزیع عادلانه آنها دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد.

اگرچه رویکرد رفاه در ابتدا به عنوان چهارچوب جایگزینی برای جغرافیای انسانی پیشنهاد شد ولی اکنون با سایر زمینه‌های تحقیق<sup>۱۱</sup> در حیطه جغرافیا ادغام شده و مشکل اساسی نابرابری را مد نظر دارد. «جغرافیای رفاه» به طور تلویمی دارای بازشناختی است که امور مورد بحث را ورای حدود تنها یک رشته بسط داده و در واقع ارایه مرز بین رشته‌ها پیش‌ازپیش کار بی‌ربطی است. رویکرد رفاه، به طور منطقی به یک چشم انداز کلی<sup>۱۲</sup> علوم اجتماعی نیاز دارد. □

ضمناً نویسندگان، کتابهایی را جهت مطالعه به قرار ذیل توصیه نموده‌اند:

Herbert, D.T. and Smith, D.M., eds, 1979: Social Problems and the city: geographical perspectives. Oxford: University Press.

Knox, P.L. 1975: Social well-being: a spatial perspective. Oxford: Oxford University Press.

Smith, D.M. 1973: A geography of social well being in the United States: an introduction to territorial social indicators. New York: McGraw-Hill.

Smith, D.M. 1977: Human geography: a welfare approach. London: Edward Arnold; New York: St Martin's Press.

Smith, D.M. 1979: Where the grass is greener; living in an unequal world. London: Penguin; New York: Barnes and Nobel (published as Geographical perspectives on inequality).